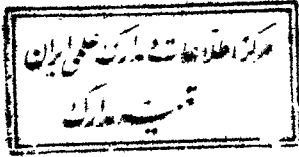


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



**دانشگاه تهران**  
**دانشکده حقوق و علوم سیاسی**

**پایان نامه:**

**برای اخذ درجه کارشناسی ارشد حقوق عمومی**

**موضوع:**

**تعارض معاهدات در حقوق بین الملل**  
**(اعمال معاهدات جانشین در خصوص موضوع مشابه)**

**استاد راهنما:**

**دکتر سیدباقر میر عباسی**

**استاد مشاور:**

**دکتر سید فضل الله موسوی**

**نگارش:**

**احمد رنجبر**

سال تحصیلی ۱۳۷۷

## سپاسگزاری

از زحمات اساتید محترم آقایان دکتر سیدباقر  
میرعباسی استاد راهنما و دکتر سید فضل‌الله موسوی استاد  
مشاور من و نیز از همکاریها و راهنماییهای بی‌دریغ دوست  
گرامی‌ام آقای سید قاسم زمانی صمیمانه تشکر می‌کنم.

به شمع پرفروغ مادرم

## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	یک

### فصل اول: کلیات

کلیات	۷
-------	---

### فصل دوم: مفهوم تعارض معاهدات و شرایط بروز آن

کلیات	۲۹
۱- مفهوم تعارض معاهدات	۲۹
۲- شرایط بروز تعارض	۴۱
الف. نقش زمان در بروز تعارض	۴۲
ب. ترکیب اطراف معاهدات	۵۱

### فصل سوم: حل تعارض

۱- نقش اطراف معاهده در حل تعارض	۷۰
۲- قواعد حل تعارض	۷۸
الف - اصول عمومی حقوق	۷۸
ب- راه‌حلهایی کنوانسیون وین ۱۹۶۹ در اعمال معاهدات جانشین	۱۲۱
نتیجه‌گیری	۱۳۴
منابع و مأخذ	۱۴۰

## مقدمه

بحث تعارض معاهدات، بحث تعارض میان نرم‌ها و هنجاری متفاوت بین‌المللی است. نرم‌هایی که به وسیله یک معاهده بین‌المللی مقرر شده و نرم‌ها و مقرراتی که توسط معاهده‌ای دیگر اعتبار شده است. اعم از اینکه این تعارض میان نرم‌های همسان و همعرض باشد یا میان هنجارها و مقررات ناهمسان و نابرابر و غیر هم عرض. توضیح اینکه گاه دو معاهده‌ای که مقررات و قیودشان با هم ناسازگار و متعارضند از هر حیث دارای ارزش و اعتباری برابرند و ترجیح یکی بر آن دیگری بدون رعایت وجوه ترجیح و اولویت میان معاهدات، ترجیح بلا مرجح خواهد بود. این نوع تعارضات که میان مقررات و نرم‌های هم عرض و در سطحی افقی روی می‌دهد را می‌توان تعارض عرضی یا تعارض افقی نامید.

اما تعارضات میان مقررات و تعهدات بین‌المللی همه از نوع تعارض افقی نیستند. گاه تعارض میان مقررات و تعهداتی روی می‌دهد که ابداً دارای ارزشی برابر نیستند. می‌دانیم که در حقوق بین‌الملل نیز همانند حقوق داخلی، مقررات و قوانینی وجود دارند که حائز خصوصیت آمرینت و مرجعیت‌اند و بسان قواعد و اصول الزام آور تخطی و تخلف‌ناپذیر، بدون

پذیرفتن هیچ‌گونه قید و استثناء و تحفظ<sup>۱</sup>، در تعارض میان آنها و قوانین و تعهدات دیگر بین‌المللی همواره حائز اولویت و مرجعیت بوده و از آنجاییکه معمولاً ریشه در اخلاق و حقوق طبیعی دارند در مقایسه با حقوق اعتباری و قراردادی (اعتباری به معنای وضعی و مشروط و موقتی و به این معنی حقوق اعتباری اعم از حقوق عرفی و قرار دادی است) از ثبات بیشتری برخوردارند و در حقوق بین‌الملل از آنها به عنوان قواعد و مقررات *Jus cogens* یاد می‌شود. از اینرو، تعارض و تناقض میان این قواعد و مقررات و تعهدات مرسوم و معمول در حقوق بین‌المللی، همواره طولی و عمودی است. یعنی نُرْم‌های دیگر حقوق بین‌الملل همواره در طول مقررات *Jus Cogens* قرار دارند. و ما از این جهت تعارضات مزبور را تعارض طولی یا تعارض عمودی می‌نامیم.

۱- هر چند از یک دید حقوقی صرف، آزادی اراده کشورها مانع از القاء و تحمیل هر گونه تعهدی به آنان می‌شود و حق شرط و تحفظی که در فصل سوم کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹ وین، پیش‌بینی شده است. در خصوص کلیه معاهدات بین‌المللی اعم از جهانی و غیر جهانی قابل اعمال است. مع الوصف نمی‌توان منکر وجود برخی قواعد و نوامیس آمره بین‌المللی گردید. به عبارت دیگر هر چند این مطلب کاملاً مورد قبول است که در ایجاد قواعد معمول در حقوق بین‌الملل و به طریق اولی قواعد آمره بین‌المللی، مشارکت دولتهایی که در موضوع قاعده، منافع خاصی دارند، به علت نقش مهم آنها در تکوین قواعد، لازم و ضروری است، اما این نکته هرگز به معنای تاکید صرف بر رضایت فردی دولتها نیست. در غیر این صورت قواعد مزبور موضوعیت و هدفشان را از دست خواهند داد. در این خصوص نگاه کنید به:

شریفی طرازکوهی، حسین، قواعد آمره و نظم حقوقی بین‌المللی، تهران، وزارت امور خارجه، موسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۷۵، فصل دوم، صص ۴۸-۲۰

بحث تعارض خاص حقوق معاهدات نیست بلکه در میان قواعد منابع دیگر حقوق بین‌المللی (مثلاً میان دو قاعدعرفی) و به علاوه میان منابع حقوق بین‌المللی (به عنوان مثال میان قواعد عرفی و قراردادی) نیز تعارض روی می‌دهد و ما در فصل اول به امکان این نوع تعارضات و نحوه بروز آن پرداختیم.

تعارض قوانین و قواعد اختصاص به حقوق بین‌الملل ندارد. بلکه در حقوق داخلی و کلاً هر کجا که ما با قواعد و مقررات موضوعه مواجه باشیم. خواه ناخواه امکان تعارض میان قوانین و مقررات وجود دارد، گر چه ممکن است دامنه این تعارضات از سطح حقوق داخلی تا عرصه بین‌المللی حقوق در نوسان باشد. توضیح اینک در حقوق داخلی ما با وحدت مرجع قانون‌گذاری مواجهیم. از اینرو امکان تعارض میان قوانینی که از یک منشاء ریشه می‌گیرند، کمتر است. مضافاً اینکه نظام پیشرفته و منسجم حقوق داخلی، تا حدود زیادی تعارضات احتمالی میان قوانین و مقررات را رفع می‌نماید. اما در حقوق بین‌المللی، مرجع و نهاد واحدی که مبادرت به وضع قانون برای کل جامعه بین‌المللی بنماید وجود ندارد. از اینرو معاهدات و قراردادهای منعقد شده میان کشورها به عنوان منبع اولیه حق شناخته شده‌اند. و حال آنکه در حقوق داخلی قرارداد فقط می‌تواند مورد



حق و تکلیف برای طرفین قرارداد باشد ولی نمی‌تواند در رده منابع حقوق قرار گیرد و اراده خصوصی افراد فقط در قالب نظام حقوقی معین و در چارچوبی که این نظام مقرر می‌کند اعتبار دارد. بر عکس، در حقوق بین‌الملل، همانطور که ذکر گردید، اراده خصوصی دولتها منشاء حقوق و تکالیف بین‌المللی است. به دلیل همین تکرر نهادهای قانون‌گذار و فقدان مرجعی برای سازش و ایجاد هماهنگی میان محصولات حقوقی موجود است که مسئله تعارض معاهدات بین‌المللی از اهمیت خاصی برخوردار

می‌شود. <sup>جدول ۱</sup> نوشتار حاضر که اختصاص به تحلیل پدیده تعارض میان معاهدات

بین‌المللی دارد. به سه فصل تقسیم شده است:

فصل اول زیر عنوان کلیات، به بررسی کلیات موضوع - تعریف

معاهده، تعریف تعارض و شناسایی اجمالی مفهوم تعارض معاهدات - با

الهام از بحث تعارض ادله در حقوق داخلی می‌پردازد. به علاوه بحث

تعارض میان قواعد منابع دیگر حقوق بین‌المللی (تعارض قواعد عرفی با

یکدیگر و یا امکان تعارض میان اصول عمومی حقوق) و همچنین تعارض

منابع حقوق بین‌المللی با یکدیگر نیز در این فصل جای می‌گیرد.

در فصل دوم، با عنوان مفهوم تعارض معاهدات و شرایط بروز آن،

ابتدائاً به تفصیل، مفهوم تعارض معاهدات به نحو سلبی و ایجابی مورد

تحلیل قرار می‌گیرد (قسمت ۱). سپس ضمن بررسی شرایط بروز تعارض، با یک کالبد شکافی مذاقه‌گرانه، دو عنصر اصلی در شرایط تعارض تحت عناوین جداگانه (الف) نقش زمان در بروز تعارض و (ب) ترکیب اطراف معاهده از هم تشخیص داده می‌شود.

فصل سوم که به حل تعارض اختصاص دارد در قسمت (۱) ابتدا به نقش اطراف معاهده در حل تعارض موجود می‌پردازد و سپس در قسمت (۲) قواعد حل تعارض در دو بخش (الف) اصول عمومی حقوق و (ب) راه حل‌های کنوانسیون وین ۱۹۶۹ در اعمال معاهدات جانشین، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و در پایان نیز یک نتیجه‌گیری کلی از موضوعات مطرح شده ارائه می‌شود.



# فصل اول:

کلیات

## کلیات

درک مفهوم تعارض معاهدات مسبق به درک دو مفهوم معاهده و تعارض است. از آنجایی که بحثمان تعارض میان معاهدات است. ابتدا باید بدانیم معاهده چیست؟ و در حقوق بین الملل به چه نوع سند بین المللی ای معاهده گفته می شود؟ تعاریف متنوعی از جانب حقوق دانان بین المللی در خصوص معاهده صورت گرفته است. ما در اینجا به منظور جلوگیری از اطاله کلام تعریفی را که کنوانسیون وین از معاهده ارائه داده است را به عنوان تعریفی نسبتاً قابل قبول تر از طرف حقوق دانان بین المللی ملاک قرار می دهیم.

ماده ۲ بند ۱ حرف الف کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در خصوص حقوق معاهدات از

معاهده چنین تعریف می نماید:

"معاهده عبارت است از یک موافقت نامه بین المللی که بین کشورها به صورت

کتبی منعقد شده و تابع حقوق بین الملل باشد، خواه در یک سند یا دو سند و یا اسناد

مربوطه بیشتر و زیر هر عنوان خاص که تنظیم شود."

همانگونه که در متن کنوانسیون آمده است، از نظر کنوانسیون مزبور هر موافقت

نامه کتبی تابع حقوق بین الملل انعقاد یافته میان دولت ها، معاهده خوانده می شود. نکته

قابل ذکر اینکه بحث تعارض معاهدات تنها به ناسازگاری و تعارض میان معاهدات بین

دولتها نمی پردازد. بلکه تعارض بین معاهداتی که دست کم یکی از دو طرف آن،

سازمانهای بین‌المللی باشد را نیز در بر می‌گیرد.<sup>۱</sup>

حال می‌خواهیم بدانیم وقتی از تعارض میان معاهدات سخن می‌گوییم، این

تعارض چیست و به چه معنایی می‌آید؟

در حقوق داخلی، هر گاه یکی از دو دلیل حکمی را اثبات کند و دیگری نفی

آنها، به طوری که جمع بین آنها دلیل ممکن نباشد، گویند بین آنها دلیل تعارض وجود

دارد. از اینرو هر گاه دو دلیل در ظاهر با هم متعارضند ولی یکی از آنها مرجحی دارد

که بدان سبب بر دیگری تقدم داشته می‌شود، این حالت را از صورت تعارض خارج

می‌دانند. به همین سبب در حقوق داخلی، باب تعارض را به دو بخش تقسیم می‌نمایند:

تعادل و ترجیح. در بخش اول از دو یا چند دلیل بحث می‌کنند که هیچ یک بر دیگری

ترجیح نداشته باشد ولی در بخش دوم از ترجیح و وجوه ترجیح و اقسام آن گفتگو

می‌نمایند. نکته دیگر اینکه بحث تعارض ادله پس از اثبات حجت بودن هر دو دلیل

مورد توجه قرار می‌گیرد و اگر بحث به جایی برسد که به حجت بودن یکی از آنها

لطمه بزند خارج از موضوع است و از این رو گفته می‌شود که میان "حجت و لا حجت"

---

۱- کنوانسیون ۱۹۸۶ وین در خصوص معاهدات میان دولتها و سازمانهای بین‌الملل و میان سازمانهای بین‌المللی با اندک تفاوتی شامل همان مقرراتی می‌شود که کنوانسیون ۱۹۶۹ راجع به حقوق معاهدات میان دولتها مقرر داشته است. از اینرو کلیه مطالبی که در اینجا در خصوص مفاهیم معاهده، تعارض، مفهوم معاهدات و شیوه‌های حل آن مطرح می‌شود، موضوعات عامی هستند که در خصوص معاهدات کلیه تابعان اصلی حقوق بین‌المللی، یعنی دولتها و سازمانهای بین‌المللی، صادق است. برای مطالعه سند کنوانسیون وین ۱۹۸۶ به منبع زیر مراجعه نمایید:

تعارضی وجود ندارد. چون در این فرض فقط یک دلیل وجود دارد، پس بحث از ترجیح، فرع بر حجت دانستن هر دو دلیل است. بنابراین بحث تعارض محدود به مواردی می‌شود که دو یا چند دلیل متعادل که از هر جهت با هم مساوی هستند در برابر یکدیگر قرار گیرند به طوری که عرفاً نتوان آنها را جمع کرد و در این صورت تعارض محقق است. مثلاً یکی از موارد تعارض ظاهری مورد تراحم احکام است. اصطلاحاً هرگاه دو حکم برای یکدیگر مزاحمتی فراهم نمایند، که نتوان به هر دو عمل کرد این وضع را تراحم و دو حکم را متزاحم می‌گویند. در این موارد مشکل فقط در مقام اجرای قانون است و حال آنکه در مورد تعارض، قانون‌گذار در مقام قانونگذاری حکم به وجوب دو دلیل ماهیتاً متعارض داده است که از هیچ جهت قابل رفع نمی‌باشد و از اینرو مشهور است که "الدلیلان اذا تعارضاً تساقطاً" یعنی در صورت وقوع تعارض واقعی میان دو دلیل، هر دو ساقط می‌شود.<sup>۱</sup> اما در حقوق بین‌الملل هنگامی که از تعارض میان معاهدات سخن گفته می‌شود، دال بر وضعیتی است که در آن دو معاهده ناظر به موضوعی یکسان و مشابه که در دو موقعیت زمانی متفاوت انعقاد یافته‌اند، آنچنان از حیث محتوا با هم ناسازگار در آیند که امکان اجرای همزمان آنها منتفی باشد. در واقع بحث تعارض معاهدات، بحث تعارض میان نرم‌ها و هنجارهای رقیب و متخالف است.

۱- دکتر محمدی، ابوالحسن، مبانی استنباط حقوق اسلامی، چاپ پنجم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران،

نرم‌های که توسط معاهده اول تاسیس یافته‌اند و نرم‌ها و معیارهایی که به واسطه انعقاد معاهده دوم استقرار یافته‌اند و هر دو دلالت بر موضوعی واحد می‌کنند، اعم از اینکه کلیه اعضای مؤسس دو معاهده مشترک باشند یا برخی متفاوت. در فصل اول به تفصیل به مفهوم تعارض معاهدات و شرایط بروز آن پرداخته‌ایم. اینکه تعارض در چه زمانی بروز می‌کند یا به عبارت دیگر چه هنگام ما می‌توانیم از تعارض میان معاهدات سخن بگوییم و اینکه آیا هر گونه ناسازگاری و امتناع اجتماع، تعارض است یا خیر و خلاصه در یک کالبد شکافی مذاقه‌گرانه کلیه فاکتورها و عناصری که لزوماً در هر تعارضی میان معاهدات بروز می‌کند را بررسی کرده‌ایم.

اما نباید گمان کرد که بحث تعارض خاص حقوق معاهدات است و تنافر قواعد اعتباری تنها در حقوق معاهدات موضوعیت دارد. بلکه باید گفت که میان قواعد منابع دیگر حقوق بین‌الملل و به علاوه میان منابع حقوق بین‌الملل نیز تعارض روی می‌دهد.

در خصوص تعارض میان دو یا چند قاعده عرفی، همانطور که می‌دانیم قواعد عرفی بین‌المللی را می‌توان از نظر میزان عمومیت آن به عرفهای عام و جهانی (جهانی) از نظر تعداد اعضاء یا فراگیری موضوع) و عرفهای منطقه‌ای یا به اصطلاح عرف خاص تقسیم نمود. پیش از پرداختن به اقسام قواعد عرفی ابتدا به تعریف عرف می‌پردازیم. عرف را می‌توان: